

# تبیین کفالت اشخاص حقوقی در آیین دادرسی کیفری

حامد رستمی نجف‌آبادی<sup>۱</sup>

محمد رضا حق شناس<sup>۲</sup>

## چکیده

از جمله قرارهایی که مقام قضایی برای دسترسی به متهم و امکان جبران خسارت بزه‌دیده صادر می‌کند، قرار «اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله» است. شخص حقوقی می‌تواند در تمام فعالیت‌های قانونی شرکت و به تبع آن دارای مسئولیت مدنی و کیفری شود. براساس تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، شخص حقوقی نیز می‌تواند کفیل متهم شود. اما اطلاق حکم در تبصره مذکور موجب ابهام قانونی و تعارض با برخی قوانین مبنایی می‌گردد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای به بررسی شرایط و محدودیت‌های کفالت توسط شخص حقوقی می‌پردازد. نتیجه پژوهش آنکه در مورد کفالت اشخاص حقوقی باید قائل به تفکیک شد. کفالت شخص حقوقی دولتی به طور کلی خلاف قواعد حقوقی و غیرقابل توجیه است. کفالت توسط شخص حقوقی غیر دولتی با دو شرط قابل پذیرش است: کفالت از متهم مورد نظر در راستای منافع شخص حقوقی و با تصمیم مرجع صالح در سطح مدیریت شخص حقوقی صورت گرفته باشد. کفالت از سوی موقوفه نیز با توجه به شخصیت حقوقی آن، مشروط به سازگاری با شرایط وقفنامه یا موافقت جمیع موقوف‌علیهم در وقف خاص است.

**کلیدواژه‌ها:** آیین دادرسی کیفری، قرار تأمین، کفالت، شخص حقوقی.

---

۱- عضو گروه فقه و حقوق امامیه دانشگاه مذاهب اسلامی تهران و عضو شورای علمی گروه مطالعات قضای اسلامی پژوهشگاه قوه قضائیه  
h.rostami1365@gmail.com

۲- استادیار گروه فقه و حقوق و معاونت پژوهشی دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان  
mohammadreza1.haghsheenas@gmail.com

## مقدمه

قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۳) به منظور افزایش اختیار عمل مقام قضایی، قرارهای تأمین و نظارت قضایی مطرح ساخته که برخی از آن‌ها نهاد جدیدی در آیین دادرسی کیفری ایران هستند. (مواد ۲۱۷، ۲۴۷، ۲۸۷ و ۶۹۰) مثل «قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات». (بند چ ماده ۲۱۷ همان قانون) یکی از نهادهای جدید این قانون، تبصره ماده ۲۲۱ است که برای نخستین بار به موضوع کفالت توسط اشخاص حقوقی پرداخته و مقرر می‌دارد: «پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است».

در این نوشتار با استفاده از دکترین حقوقی و تحلیل قوانین موضوعه با روش تحلیلی به بررسی شرایط و حدود صدور قرار کفالت توسط شخص حقوقی پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد که کفالت اشخاص حقوقی به طور مطلق قابل پذیرش نیست. بایستی بین اشخاص حقوقی دولتی و غیر دولتی قائل به تفکیک گردید.

## ۱- واژه‌شناسی

واژه کفالت از ماده ک ف ل به معنای «به عهده گرفتن کاری به جای کسی» است. (معین، ۱۳۸۱: باب ک ف ل) در زبان انگلیسی، <sup>۱</sup>Bail به معنای قبول مسئولیت یا حمل بار است. (Houghton Mifflin, 2009, bail) در اصطلاح آیین دادرسی کیفری، اصطلاح Bail Bond به معنای قرار وثیقه است یعنی تعهدی که متهم یا شخص ثالثی طبق دستور مقام قضایی و میزان پولی تعیین شده می‌سپارد. پس از امضا، فرد آزاد می‌شود ولی اگر در موعد مقرر حاضر نشد وثیقه به نفع دولت ضبط می‌شود. (The Gale Group, 2008, bail bond)

در اصطلاح فقهی کفالت به معنای التزام به حاضر ساختن مکفول است هرگاه مکفول‌له بخواهد. (بحرانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۱؛ عاملی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۱۳) لذا حق کفالت، سلطنتی است که با عقد کفالت برای مکفول‌له بر کفیل حاصل و نتیجه آن وجوب حاضر ساختن مکفول بر کفیل

۱- از ریشه فرانسوی baillier و ریشه لاتین biulre.

است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۳۳۹) با حاضر ساختن او، ذمه کفیل از حق بری می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۹: ش ۲۶، ص ۱۸۹؛ عاملی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۲۵۲)

## ۲- قرار کفالت

کفیل در اصطلاح حقوقی، شخصی است که حضور مرتب متهم را در مواقع مطالبه آن در برابر مبلغ معینی وجه، تعهد و کفالت می‌نماید. (آخوندی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۴۷) مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام، قرار کفالت (به منظور اخذ کفیل) صادر نماید. در چنین صورتی مقام قضایی (دادسرا یا دادگاه) با توجه به ادله آثار یا اهمیت جرم یا شخصیت متهم، تعهد او را کافی ندانسته و به او ابلاغ می‌کند که بایستی شخص ثالثی حاضر شده تا متعهد به حاضر ساختن متهم در مواعد مد نظر بازپرس شود. (مه‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۶) با توجه به این که کفیل متعهد به حاضر ساختن متهم می‌شود ضمانت اجرای این تعهد، مال معینی است که کفیل به عنوان «وجه الکفاله» معرفی می‌کند که در صورت تخلف و عدم معرفی متهم، آن مال را بپردازد. (عابدی، ۱۳۹۹: ۳۱۷) مقام قضایی با لحاظ «مؤلفه‌های تناسب قرارهای تأمین و نظارت قضایی» (ماده ۲۵۰ همان قانون) همچون شدت جرم (با لحاظ حداقل و حداکثر خسارت احتمالی وارده بر بزه‌دیده)، شدت مجازات احتمالی متوجه متهم، سابقه متهم، شخصیت و وضعیت متهم و ... مبلغی را به عنوان وجه الکفاله معلوم و موافقت کفیل برای کفالت را با اخذ امضاء احراز می‌کند. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۳۵)

## ۳- اختصاص صدور قرار کفالت به متهم حقیقی

قانونگذار در ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرار کفالت در مواردی که متهم شخص حقوقی باشد را ممکن ندانسته و قرارهای تأمین کیفری ممکن برای شخص حقوقی را منحصر در «قرار ممنوعیت از انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی» و «قرار ممنوعیت تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی» دانسته است. از این ماده استفاده می‌شود که قرارهای تأمین کیفری موضوع ماده ۲۱۷ و ۲۴۷ همان قانون اختصاص به موردی دارد که متهم از اشخاص حقیقی باشد.

## ۴- مبدأ ایجاد شخصیت حقوقی

مبدأ تحقق شخصیت حقوقی برای مصادیق مختلف شخص حقوقی در احراز موضوع تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری اهمیت دارد. شخص حقوقی هنگامی پدید می‌آید که دسته‌ای از افراد که دارای منابع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به اهداف خاصی اختصاص

داده شده‌اند در کنار هم قرار بگیرند و قانون آن‌ها را طرف حق و تکلیف بشناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قائل گردد. (صفایی، قاسم زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۴)

شخص حقوقی می‌تواند دارایی داشته، معامله کند، استخدام کرده، تعهد نماید، خواهان یا خواننده دعوی قرار گرفته، محکوم له و محکوم علیه قرار گیرد. حتی پس از انحلال نیز تا پیش از تصفیه کامل، شخصیت حقوقی شرکت تجاری، به صورت ناقص و حداقلی باقی می‌ماند. (داراب پور، ۱۳۹۱: ۱۳۴) براساس مواد ۱۱۰<sup>۱</sup> و ۵۸۹<sup>۲</sup> قانون تجارت، تصمیمات نمایندگان رسمی شخص حقوقی، تصمیم شخص حقوقی است. براین اساس رکن اراده و قصد در اعمال شخص حقوقی محرز است زیرا با توجه به اراده جمعی و مشترکی که در ماهیت شخص حقوقی مطرح است، این اشخاص در قصد و اراده شبیه اشخاص حقیقی هستند. (صفار، ۱۳۷۲: ۵۰۴)

«شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی» به محض ایجاد و تأسیس، و بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی هستند. (ماده ۵۸۷ قانون تجارت) این مقرر دربارۀ نهادهای عمومی غیر دولتی که دارنده خصوصی نداشته و هدفش، دادن خدمات و سودهای همگانی است نیز حاکم است.<sup>۳</sup> (افتخاری، ۱۳۸۶: ۳۹۶-۳۹۱)

پدیدآورندگان شرکت بازرگانی در ثبت یا عدم ثبت، مختار نیستند و باید شرکت را به ثبت برسانند. اگر از ثبت شرکت خودداری ورزند، حتی با مسوولیت کیفری نیز رو به رو خواهند بود. البته گاهی شرکت‌های بازرگانی به جهت پیوند با نهادهای دولتی، با قانون خاص، شخصیت حقوقی یافته و نیاز به ثبت ندارند. (ماده ۵ قانون اساسنامه «شرکت سهامی کشت و صنعت شهید بهشتی» ۱۳۷۰/۶/۳)

در خصوص نقش ثبت در تحقق شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری غیردولتی، میان

۱- «اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود».

۲- تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذتصمیم دارند گرفته می‌شود».

۳- به عنوان نمونه این قوانین به شخصیت حقوقی سازمان‌های مربوطه‌شان تصریح نموده‌اند: ماده ۷ تبصره ۲ و ماده ۹ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹؛ ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور ۱۳۵۱/۴/۱۸؛ ماده ۲ قانون اساسنامه «سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی» ۱۳۵۶/۱۱/۱۵؛ ماده یک قانون اساسنامه «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ ...

اندیشمندان حقوق تجارت اختلاف نظر است و نص قانونی صریحی در این زمینه وجود ندارد. برخی قائلند بر اساس اطلاق ماده ۵۸۳ قانون تجارت، شرکت‌های غیردولتی تجاری با «تشکیل شدن»، شخصیت حقوقی می‌یابند. بنابراین ثبت یا عدم ثبت شرکت با ضمانت اجرا یا احتمال ارائه درخواست انحلال به دادگاه توسط دادستان را به دنبال دارد. (اسکینی، ۱۳۹۵: ۴۸/۱، ۱۱۲؛ داراب پور، ۱۳۹۱: ۱۳۶) برخی دیگر قائل هستند «شخصیت شرکت‌های بازرگانی هنگامی کامل می‌گردد که به ثبت برسند» و بر این نظر به تحلیل متن برخی مواد قانونی، آراء برخی محاکم و دکترین حقوق فرانسه استناد نموده‌اند (صفایی، قاسم زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۹؛ صقری، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۷). لیکن ظاهر ماده ۵۸۳ قانون تجارت بر نقص شخصیت حقوقی شرکت‌های بازرگانی پیش از ثبت دلالت ندارد.

در هر صورت اگر پیش از ثبت شرکت، به نام و برای شرکت «تعهد» توسط مؤسسين ایجاد شود یا اقدام‌های آنها موجب خسارت یا مرتکب بزه شوند، شرکت پس از ثبت دارای مسئولیت خواهد بود و این جنبه کاشفیت دارد. بنابراین قبول کفالت توسط شرکت تجاری پیش از ثبت می‌تواند بعد از ثبت، برای شرکت و اگر هرگز شرکت شخصیت حقوقی نیابد، برای مؤسسين مسئولیت ایجاد کند. (صقری، همان)

تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری برای کسب شخصیت حقوقی باید به ثبت برسند و پیش از آن شخصیت حقوقی ندارند (ماده ۱ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری ۱۳۳۷/۹/۵ و ماده ۵۸۴ قانون تجارت). طبق ماده ۲۱ قانون نظام صنفی کشور (۱۳۸۲/۱۲/۲۴) در هر شهرستان که واحدهای صنفی با فعالیت‌های شغلی مشابه یا همگن وجود داشته باشد، افراد صنفی با رعایت این قانون مبادرت به تشکیل اتحادیه می‌کنند و طبق تبصره ۱ این ماده، «اتحادیه» دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. (افتخاری، ۱۳۸۶: ۳۸۸)

موقوفات اموالی هستند که از جریان دادوستد خارج شده و به یک هدف خیر اختصاص داده شده است. این اموال دارای شخصیت حقوقی هستند اما تجاری نیستند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۴۶-۱۴۵) براساس ماده ۳ قانون اوقاف ۱۳۵۴/۴/۲۲ «... موقوفه عام دارای شخصیت حقوقی است». همچنین بر اساس ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

(۱۳۶۳/۱۰/۶) «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد». شخصیت حقوقی اموال موقوفه از زمان تنظیم وقفنامه ایجاد می‌شود. (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۱۸/۱)

نکته این که مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آن‌ها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد (ماده ۵۸۶ قانون تجارت). چنانچه مؤسسه یا شرکت‌های موضوع این ماده به انجام بزه دست بزنند، پیرو مقرره‌های عمومی حقوق کیفری مانند شرکت یا معاونت در جرم به آن رسیدگی می‌شود. بنابراین در میان انواع شرکت‌ها و مؤسسات، فقط شرکت‌ها و مؤسسات نامشروعند که فاقد شخصیت حقوقی هستند زیرا وفق ماده ۵۸۳ قانون تجارت مصوب تحقق شخصیت حقوقی منوط به رسمیت داشتن آن نزد قانونگذار است.

#### ۵- شرایط کفالت شخص حقوقی

پس از بحث درباره مبدأ تحقق شخصیت حقوقی، پرسش اساسی آن است که شخص حقوقی در چه مواردی می‌تواند کفیل یک متهم شود؟ توضیح این که حکم به اطلاق جواز کفالت برای هر شخص حقوقی، ممکن است آثار فسادانگیزی به دنبال داشته باشد:

۱- امکان سوء استفاده افراد صاحب نفوذ در شخص حقوقی. به‌عنوان مثال اگر عضو هیأت مدیره یک شرکت تجاری سهامی عام بخواهد با استفاده از اموال و مستغلات شرکت، به خاطر انگیزه‌های شخصی، کفیل متهمی شده و وجه الكفاله را از اموال شرکت متعهد شود. چه بسا آن متهم که هیچ ارتباطی با شرکت مزبور ندارد، متواری شده یا به هر دلیل دیگری حاضر ساختن او ممکن نشود، مشخص است که این موجب ضرر سایر سرمایه‌گذاران یا سهام‌داران می‌شود. آیا تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲/۱۲/۴ را می‌توان مستند دانست؟

این حساسیت با توجه به ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری بیشتر می‌شود که بیان می‌دارد اگر از کفیل یا وثیقه‌گذار حاضر ساختن مکفول مطالبه شده ولی وی را ظرف مدت مقرر حاضر نسازد، دستور ضبط وجه الكفاله از اموال کفیل صادر می‌شود که ممکن است مبلغ وجه الكفاله بیش از میزان خسارت بزه‌دیده باشد.

۲- ایراد ساختاری در محل تأمین وجه الکفاله. اگر قرار باشد شخص حقوقی، کفیل باشد و در نهایت حکم به ضبط وجه الکفاله صادر شود، محل تأمین بودجه آن با ایراد مواجه می‌گردد. توضیح اینکه در کفالت توسط سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا عمومی حاکمیتی، اگر مدیر یک سازمان دولتی بخواهد کفیل یکی از کارمندان خود که متهم به جرمی است بشود و وجه کفالت را از محل اموال سازمان دولتی متبوعش متعهد شود، آیا این از مصادیق استفاده شخصی از اموال بیت‌المال یا هزینه خارج از ردیف بودجه است؟ یا اگر مدیر یک صندوق خیریه بخواهد از محل اموال وقف شده برای کمک به ایتم، وجه الکفاله یا وثیقه‌ای برای یک متهم غیر یتیم را تعهد کند، آیا به منزله صرف اموال در خارج از حیطه اهداف و منافع شخص حقوقی نیست؟

#### ۶- شرایط جواز کفالت توسط شخص حقوقی

کفالت به طور معمول نسبت به شخص حقیقی متصور است چنانچه این امور می‌تواند شاهدی بر این ادعا باشد: ۱- عدم ذکر کفالت شخص حقوقی در قوانین سابق ۲- ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲/۱۲/۴ که به مسأله فوت کفیل اشاره می‌کند<sup>۱</sup> در حالی که فوت فقط در مورد شخص حقیقی متصور است. اما این‌ها فقط در نگاه نخست است زیرا انحلال غیر ارادی و حتی انحلال ارادی شخص حقوقی، به منزله فوت آن است و قانونگذار از باب مصداق متداول‌تر فقط به فوت اشاره نموده است.

آنچه در این تبصره موجب بحث است آن که شخص حقوقی چگونه، در چه شرایطی می‌تواند کفیل یک متهم شود؟ آیا یک شخص حقوقی غیردولتی تجاری در قالب شرکت سهامی عام، می‌تواند کفیل هر متهمی شود؟ و در صورت تخلف از حاضر ساختن متهم، وجه الکفاله از محل اموال شرکت یعنی از سرمایه سهامداران تأدیه خواهد شد یا آن شخص حقیقی که به عنوان نماینده آن، قبولی کفالت نموده باید وجه الکفاله را پردازند؟ بنظر می‌رسد برای مورد جواز کفالت برای شخص حقوقی، باید بین شخص حقوقی دولتی و عمومی با شخص حقوقی غیر دولتی تفکیک نمود.

۱- «در صورت فوت کفیل یا وثیقه‌گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتفی است.»

### ۶-۱- کفالت توسط شخص حقوقی دولتی

از آنجا که کفالت در واقع ایجاد یک تعهد بر ذمه کفیل برای حاضر ساختن مکفول و در صورت حاضر نساختن، ضبط وجه الکفاله است، کفالت توسط شخص حقوقی دولتی، بجز در یک مورد نادرست و غیراصولی می‌باشد. زیرا؛ الف) بودجه‌های دولتی، امانتی در اختیار مسئول مربوطه است و مسئول، حق تصمیم‌گیری مالکانه و تصرف خارج از حدود مربوط به وظایف سازمان یا مؤسسه مربوطه را ندارد. بنابراین اگر مسئول بخواهد به نمایندگی از شخص حقوقی دولتی، تعهد به حاضر ساختن متهم و احیاناً پرداخت وجه الکفاله نماید، خارج از حیطه اختیارات اوست. از طرفی تحمیل هزینه‌ای احتمالی بر دولت برای یافتن و حاضر ساختن متهم است. همچنین اگر متهم متواری شد یا به هر دلیل حاضر ساختن مکفول ممکن نبود، تحمیل هزینه وجه الکفاله بر بیت‌المال و مصداق ضرر بر آن است. ب) مصرف بودجه‌های دولتی، محدود به اعتبارات مصوب و قوانین مربوطه است و نمی‌توان بودجه‌ای که به سازمان دولتی برای مصارف داخلی‌اش با ردیف‌های مصرفی مشخص داده شده را صرف پرداخت وجه الکفاله نمود. این مطلب به استناد قوانین مختلف قابل اثبات است:

۱- اصل ۵۳ قانون اساسی: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد».

۲- اصل ۱۴۸ قانون اساسی: «هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است».

۳- ماده ۲۶ قانون مدنی: «...آنچه از اموال منقوله و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد».

۴- ماده ۱۳ قانون محاسبات عمومی (۱۳۶۶/۶/۱) که مصرف وجوه عمومی را منحصر در مصارف عمومی می‌داند: «وجوه عمومی عبارت است از نقدینه‌های مربوط به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات وابسته به سازمان‌های مذکور که متعلق به حق افراد و مؤسسات خصوصی نیست و صرفنظر از نحوه و



منشاء تحصیل آن منحصرأً برای مصارف عمومی به موجب قانون قابل دخل و تصرف می‌باشد.

۵- کمیسیون حقوقی سازمان بازرسی کل کشور در نظریه مشورتی خود، وثیقه‌گذاری برای متهمین از محل اموال دولتی را غیرقانونی تشخیص داده است: «با توجه به مواد ۱۱۲ لغایت ۱۱۴ قانون محاسبات عمومی، چون اموال غیرمنقول دولت و شرکت‌های دولتی قابل نقل و انتقال با شرایط معینی است که وثیقه‌گذاری آن در جهت اتهامات اشخاص حقیقی اعم از دولتی و غیردولتی از شمول آن خارج است و مطابق با ماده ۱۳ قانون مذکور که وجوه عمومی را تعریف نموده و مصرف آن را فقط به موجب قانون برای مصارف عمومی تجویز کرده است، لذا استفاده غیر از موارد یادشده خلاف و فاقد جواز قانونی و شرعی به نظر می‌رسد». (نظریه شماره ت/۱۳۲۴۹۳/۱ کمیسیون حقوقی مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۶)

بنابراین قبول کفالت یا تودیع وثیقه توسط دولت صحیح نیست. به عنوان استثناء باید گفت اگر قانونگذار یا مقامات ذی‌صلاحی که صلاحیت تعیین مصارف هزینه‌ای بودجه را دارند، از ابتدا و بر اساس مصلحت سازمان متبوع، ردیف جداگانه‌ای برای کفالت یا وثیقه با ضوابط مشخص تعیین کنند، مصرف این بودجه‌ی مشخص برای کفالت یا وثیقه بلا اشکال خواهد بود. چنانچه اگر در ردیف‌های بودجه وزارت خارجه، بودجه‌ای برای وثیقه‌گذاری برای آزادی اتباع ایرانی و مقامات کنسولی که در خارج از کشور با اتهامی مواجه می‌شوند قرار داده شود که حق عمومی قانونگذار یا مقامات ذی‌صلاح برای تعیین مصارف بودجه دلیلی بر این امر است. همچنین اصل ۱۳۹ قانون اساسی را می‌توان مؤید دیگری بر این حق قرار داد که مقرر داشته «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد» که حق تصمیم‌گیری درمورد اموال دولتی در موارد خاص را برای قوه مجریه قرار داده است.

## ۶-۲- کفالت شخص حقوقی غیر دولتی تجاری

شرکت‌های تجاری ویژگی‌های مشترکی دارند:

۱- اهلیت شرکت و حیطه تصرفات آن محدود به موضوع مندرج در اساسنامه است. ۲. شرکاء (سرمایه‌گذاران) بر دارایی شرکت، حق عینی ندارند یعنی در طول مدت شرکت، عین اموال و

وجوه شرکت متعلق به شخصیت حقوقی شرکت است و متعلق به هیچ یک از اشخاص حقیقی سرمایه‌گذار نیست بلکه فقط سهام آن متعلق به هر فرد است. ۳. طلبکار از شرکت (از جمله وقتی مقام قضایی اقدام به وصول وجه الكفاله می‌کند)، برای تأدیه طلبش باید به وجوه و اموال شرکت مراجعه کند ولی اگر شرکت موجودی کافی نداشت، پس از حکم به انحلال شرکت، طلبکار می‌تواند به اشخاص حقیقی مرتبط با شرکت رجوع کند. (صقوری، ۱۳۹۰، ۱۱۱) ۴. اگر سرمایه شرکت (شخص حقوقی) برای تأدیه هر دوی دیون و سرمایه‌ی شرکاء کافی نباشد، باید ابتدا طلب طلبکارها وصول شود. بنابراین اگر دادستان زمانی دستور ضبط وجه الكفاله را بدهد که سرمایه و دارایی شرکت دچار نقصان شده است، ابتدا دیون از جمله وجه الكفاله باید پرداخت شود. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۵)

بر اساس معیار مستفاد از ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱، رفتار شخص حقوقی در صورتی برایش مسئولیت کیفری ایجاد می‌کند که الف) نماینده قانونی شخص حقوقی مرتکب آن فعل شده باشد ب) آن رفتار به نام یا در راستای منافع آن شخص ارتکاب شده باشد. براین اساس رفتار شخص حقوقی هم در جنبه مدنی (مثل کفالت) و هم در جنبه کیفری بایستی با لحاظ این دو شرط باشد. پس کفالت متهم توسط شخص حقوقی غیردولتی در صورتی صحیح است که کفالت آن متهم، در راستای اهداف یا منافع شخص حقوقی و با تصمیم مسئولان دارای صلاحیت باشد.

با لحاظ این دو شرط ممکن است حتی کفالت از شخصی غیر از مدیران ارشد یا حتی خارج از مجموعه شرکت نیز به دلایل مختلف توجیه پذیر باشد زیرا مصرف بودجه در راستای آن خلاف منافع شرکت نیست و شخص صالح (هیأت مدیره یا هم‌تراز آن) تصمیم‌گیری شده است. به عنوان مثال اگر یکی از مسئولین شرکت، به اتهام جرمی بازداشت موقت شده و مدیران شخص حقوقی تشخیص دهند این وضعیت موجب کاهش ارزش سهام شرکت می‌شود، در راستای منافع شرکت اقدام به قبول کفالت و تعهد به وجه الكفاله نمایند، این رفتار با مانعی مواجه نخواهد بود. در چنین موردی، کفالت در راستای منافع و اهداف شخص حقوقی است و تصمیم به آن توسط نمایندگان حقوقی شرکت یا شخص حقوقی اخذ شده و لذا به استناد تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام مجاز تلقی می‌شود.

### ۶-۳- کفالت شخص حقوقی غیردولتی غیر تجاری

از آنجا که اهلیت و حیطة تصرفات تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری منحصر در حدود و ضوابط تعریف شده در اساسنامه است که به امضای مؤسسين و تصویب مجمع عمومی رسیده است (افتخاری، ۱۳۸۶: ۳۸۹). لذا کفالت توسط شخص حقوقی غیرتجاری نیز همانند شخص تجاری، فقط در صورتی امکان پذیر است که این اقدام در راستای اهداف و منافع تعریف شده در اساسنامه و توسط مدیران صالح صورت گرفته باشد.

### ۶-۴- کفالت توسط موقوفه

وقف در اصطلاح یعنی «حبس عین مال و تسبیل منافع و عوائد آن». (نجفی، ۱۴۲۲: ۲) منظور از حبس عین، آن است که مالک مال را از مالکیت خود خارج می‌سازد و موقوفه را نمی‌توان با عقود یا اعمال حقوقی مختلف، نقل مالکیت داده یا عمداً تلف نمود. تسبیل یعنی اینکه به صورت غیرمعمول و دائمی، منافع و عوائد مال برای استفاده موقوف علیهم قرار داده می‌شود.

موقوفه دارای شخصیت حقوقی مستقل است چون یکی از مشخصه‌های اساسی شخص حقوقی، مالک شدن است و از مهمترین عواملی که سبب می‌شود تا عقلاء شخص حقوقی اعتبار کنند، مالکیت آن می‌باشد. این مطلب در مورد وقف صادق است؛ زیرا برخی از موقوفه‌ها، مالک می‌شوند (مثل مالکیت زمین وقف شده بر دربی که بعداً بر آن نصب می‌شود). موقوفه می‌تواند در وقف دیگری، موقوف‌علیه واقع شود. با اثبات مالکیت برای عنوان وقف افزون بر شخصیت حقوقی، تمامی احکام مالکیت مانند خرید، فروش و قبول هبه نیز برای آن ثابت می‌شود، زیرا لازمه‌ی عقلی و عرفی مالکیت اثبات این امور خواهد بود. بنابراین خود موقوفه چه در وقف خاص یا عام دارای شخصیت حقوقی است. (صفار، ۱۳۹۵: ۲۰۸)

در خصوص جواز کفالت از سوی موقوفه به عنوان شخص حقوقی و شمول تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری بر آن، نص قانونی وجود ندارد و ضروری است در چنین موردی بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی با مراجعه به فقه (به خاطر ماهیت شرعی موضوع)، تکلیف مشخص گردد.

یکی از احکام وقف آن است که هرگونه استفاده از مال موقوفه با رعایت شروط واقف و منوط

بر آن است که تصرفات و بهره برداری‌ها از موقوفه، عین مال را تلف نکند و آن را از حالت تسبیل خارج نکند. (لنکرانی، ۱۴۲۴: ۲۹) مشهور فقها معتقدند تصرفاتی که موجب تلف یا نقل ملک عین موقوفه شود، جایز نیست و حتی واقف نیز اختیار چنین تصمیمی را ندارد زیرا با ماهیت وقف سازگار نیست

فقها تقسیم بندی‌های مختلفی برای وقف مطرح کرده‌اند. یکی از آنها تقسیم وقف به «وقف منفعت» (مثل وقف یک باب مغازه برای مسجد) و «وقف انتفاع» (مثل وقف یک باب منزل مسکونی برای اقامت امامت جماعت مسجد) است. (خراسانی، ۱۴۱۳: ۷۱) در وقف منفعت، متولی یا موقوف علیهم یا حاکم شرع، اختیار بیشتری دارند برای اینکه نوع تصرف یا شخص متصرف و منتفع را تعیین نمایند ولی به شرطی که ضرر یا خسارت به عین موقوفه وارد نشود. به همین جهت فتوا به جواز اجاره دادن موقوفه در وقف منفعت داده‌اند. اصل اولیه در وقف نیز، وقف منفعت بودن است (خراسانی، همان؛ خمینی، بی تا، ۸۰/۲؛ لنکرانی، ۱۴۲۴: ۸۱). یعنی شخصی به صورت معوض و موقت، مالک منفعت موقوفه شود. این با ماهیت وقف سازگار است.

با توجه به توضیح‌های پیشین، اصل اولیه بر «عدم صحت کفالت توسط موقوفه» است. برای این اصل اولیه دو استثناء قابل طرح است:

الف- از شرایط واقف به صورت صریح یا تعبیری که عمومیت دلالت آن شامل شود، کفالت از متهم و استفاده از «منافع موقوفه» به عنوان وجه کفالت استفاده شود. مانند آنکه واقف، صرف عائدات و درآمد موقوفه در امور خیریه یا حمایت از زندانیان و متهمان بی بضاعت را مطرح کرده باشد. این حالت تفاوتی بین وقف عام و وقف خاص نخواهد داشت. با توجه به اینکه در وقف، عین موقوفه را نمی‌توان (جز در موارد خاص قانونی) به تملک ثالث درآورده یا ضبط نمود، در هنگام صدور قرار کفالت و در مقام احراز ملائت کفیل (که در این فرض، شخص حقوقی موقوفه است)، لازم است ضمن بررسی مفاد وقفنامه، کفایت درآمد و منافع قابل حصول موقوفه برای تأمین وجه الکفاله توسط مقام قضایی احراز شود. پس اگر مبلغ قرار کفالت به قدری سنگین باشد که در ارزیابی عرفی، امکان استیفای وجه کفالت از درآمد موقوفه نباشد یا موجب صرف منفعت موقوفه بر خلاف شرایط وقف‌نامه باشد، قبول کفالت صحیح نیست.

ب- یا این که مکفول له از موقوف علیهم باشد و واقف ضمن وقف خاص شرط کرده باشد که فروش یا نقل مالکیت موقوفه در صورت نیاز شدید موقوف علیهم، جایز باشد. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۲، ۸۶) بنابراین وقتی بیع موقوفه که انتقال قطعی و خروج حتمی از حالت وقف است، جایز باشد؛ به قیاس اولویت کفالت یا وثیقه گذاری از سوی موقوفه که احتمال خروج از وقف و تملک شخص ثالث را به دنبال دارد، جزء موردهای مصرف وقف و سازگار با شرع محسوب می شود. همچنین لازم است این اقدام توسط متولی وقف (متولی خاص یا عام) صورت گیرد. (حائری، بی تا، ۳۰/۲)

#### ۷- لزوم احراز شرایط در پذیرش کفالت

بیان شد که جواز کفالت توسط شخص حقوقی غیردولتی دو شرط دارد: الف) کفالت در راستای هدفها و ضابطه های تعریف شده شخص حقوقی باشد ب) این اقدام توسط مقام صالح صورت بگیرد. با توجه به ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته «کفالت شخصی پذیرفته می شود که ملائت او به تشخیص بازپرس محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می رساند...». مقام قضایی بایستی پیش از صدور قرار قبولی کفالت شخص پیشنهادی به عنوان کفیل، اهلیت (تمکن قانونی از کفیل شدن) و ملائت وی (تمکن قانونی از پرداخت وجه الکفاله) را بررسی نماید زیرا ملائت، نیاز به اثبات داشته و مفروض انگاشته نمی شود. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۳۷/۱)

معیار تشخیص اهلیت و ملائت شخص حقوقی متفاوت از ملائت شخص حقیقی است. در شخص حقیقی بطور معمول بالغ، عاقل و رشید بودن برای احراز اهلیت و اثبات تمکن مالی با شواهدی از قبیل فیش حقوقی یا سند مالکیت، برای احراز ملائت وی برای پرداخت وجه الکفاله کافی است. اهلیت شخص حقوقی غیردولتی از طریق تأسیس و نیز ثبت (در موارد لزوم) و ملائت وی از طریق دارا بودن شرایط لازم برای کفالت تحقق می یابد. برای احراز اهلیت شخص حقوقی ضروری است که مقام قضایی اساسنامه، وقفنامه یا مدارک دیگری که اثبات کند این کفالت در راستای اهداف و منافع تعریف شده شخص حقوقی می باشد و نیز سمت و صلاحیت مقام و نماینده مربوطه را بررسی نماید زیرا در صورت عدم وجود این شرایط امکان وصول قانونی وجه الکفاله نخواهد بود و این نقض ماده ۲۲۱ همان قانون خواهد بود.

نکته دیگر آنکه تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در مقام قانونگذاری حق کفالت برای اشخاص حقوقی و امکان قبولی کفالت آنها توسط مقام قضایی در دایره حقوق عمومی است و این منافاتی با آن ندارد که در دایره حقوق خصوصی پذیرش صریح یا تلویحی (اطلاقی) اقدام به کفالت در اساسنامه یا تصمیمات مجمع عمومی را ضروری بدانیم زیرا قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری، در مقام توسعه یا تضییق اهلیت یا ضوابط فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات در دایره حقوق تجارت و نیز ضوابط شرعی وقف نبوده است.<sup>۱</sup>

#### ۸- منع تودیع وثیقه از وجوه و اموال دولتی

سئوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا وجوه و اموال دولت را می‌توان به عنوان وثیقه برای کارکنان دستگاه‌های دولتی که در راستای انجام وظیفه و صرفاً در ارتباط با مسئولیت محوله دولتی مرتکب جرائمی می‌شوند در مرجع قضایی تودیع نمود؟ نظریه کمیسیون حقوقی شماره و تاریخ نظریه ۷۵/۱۲/۶ - ۳۲۴۹۳/۱ ت بدین شرح است: با توجه به مواد ۱۱۲(۱) لغایت ۱۱۴(۲) قانون محاسبات عمومی چون اموال غیرمنقول دولت و شرکت‌های دولتی قابل نقل و انتقال با شرایط معینی است که وثیقه گذاری آن در جهت اتهامات اشخاص حقیقی اعم از دولتی و غیردولتی از شمول آن خارج است و مطابق با ماده ۱۳(۳) قانون مذکور که وجوه عمومی را تعریف نموده و مصرف آن را فقط به موجب قانون برای مصارف عمومی تجویز کرده است. لذا استفاده غیر از موارد یادشده خلاف و فاقد جواز قانونی و شرعی به نظر می‌رسد.

#### ۹- رویکرد رویه قضایی در کفالت اشخاص حقوقی

با توجه به این‌که قرار وثیقه بیشتر قائم و ناظر به مال شخص می‌باشد تا خود شخص و این‌که تعرفه وثیقه و صدور قرار قبولی وثیقه حق عینی ایجاد می‌نماید فلذا فرقی نمی‌نماید ارائه وثیقه از جانب شخص حقوقی باشد، یا حقیقی البته با رعایت این شروط که:

اولاً: شخص حقوقی دولت (به مفهوم اعم) و مال تعرفه شده جزء اموال دولت نباشد.

ثانیاً: در اساسنامه یا شرکت‌نامه شخص حقوقی حسب مورد چنین امری تجویز شده و یا در

۱- برای نظر مخالف مراجعه شود به: خالقی، ۱۳۹۴: ۲۳۹/۱.

مجامع عمومی مربوط چنین اختیاری داده شود و اما در این خصوص که آیا کفالت از اشخاص حقوقی قابل پذیرش می‌باشد یا خیر دو نظریه در رویه‌های قضایی موجود است:

نظریه اکثریت قریب به اتفاق آرا: به دلالت ماده ۵۸۸ قانون تجارت که با صراحت بیان داشته «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که به طور طبیعی فقط انسان ممکن است دارای آن باشد...» و این که کفالت از جمله حقوق و تکالیفی نمی‌باشد که به مقتضای طبیعت انسان صرفاً برای شخص حقیقی (انسان) ملحوظ گردیده باشد مضافاً این که قانونگذار در فصل شانزدهم قانون مدنی هیچ‌گونه تصریحی در قائم به شخص حقیقی بودن تعهد به تعرفه مکفول نداشته بنابراین کفالت از اشخاص حقوقی در پرونده‌های کیفری قابل پذیرش می‌باشد.

نظریه اقلیت: با عنایت به این که در عقد کفالت کفیل تعهد به تعرفه مکفول می‌نماید و این که انجام چنین امری جز از شخص حقیقی ساخته نبوده بنابراین به واسطه قائم به شخص بودن کفالت، کفیل شدن شخص حقوقی در پرونده‌های کیفری قابلیت پذیرش ندارد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقام قضایی در رسیدگی به پرونده و برای تضمین دسترسی به متهم، قرار تأمین صادر می‌کند و یکی از آنها، قرار اخذ کفیل با وجه الکفاله است. به استناد تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، شخص حقوقی می‌تواند کفیل متهم در قرار کفالت شود.

در پژوهش حاضر مطرح گردید؛ شخص حقوقی دولتی اصولاً نمی‌تواند کفیل کسی شود زیرا تصرف در وجوه و اموال دولتی بر خلاف ردیف‌های بودجه‌ای و در معرض تلف قرار دادن بیت‌المال است که امانت محسوب می‌شود و این خلاف قواعد حقوقی است مگر اینکه قانونگذار در بودجه، ردیف مصرفی خاصی برای کفالت متهمین با شرایط مشخص قرار دهد.

در مورد کفالت شخص حقوقی غیر دولتی، بطور کلی به استناد معیار مستفاد از ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و مواد قانونی مختلف قانون تجارت و سایر قوانین، فقط در صورتی می‌تواند کفیل یا وثیقه‌گذار شود که دو شرط وجود داشته باشد: الف) این اقدام در راستای اهداف و منافع شخص حقوقی که در اساسنامه آن تعریف شده باشد، ب) اقدام توسط نماینده معتبر شخص حقوقی و به نام شخص حقوقی صورت گیرد.

کفالت توسط مال موقوفه نیز فقط به این شرط صحیح است که: ۱. از نوع وقف منفعت باشد  
۲. لحاظ تناسب وجه کفالت با منفعت و عوائد موقوفه ۳. این عمل به صراحت یا به صورت  
ضمنی جزء شرایط واقف بوده یا اینکه مکفول‌له جزء موقوف علیهم باشد.

به استناد ماده ۲۲۱ همان قانون ضروری است که مقام قضایی بویژه با بررسی اساسنامه یا  
وقفنامه، وجود این دو شرط را در شخص حقوقی غیر دولتی در هنگام صدور قرار قبولی کفالت  
احراز نماید. پیشنهاد می‌گردد قانونگذار با اصلاح تبصره ماده ۲۲۱، شرایط اقدام شخص حقوقی  
برای کفالت و استفاده از اموال و وجوه مربوط به آن را مشخص سازد به نحوی که از صرف منابع  
آن در محل غیراصولی و خلاف قواعد حقوقی اجتناب گردد. متن پیشنهادی می‌تواند چنین باشد:  
«پذیرش کفالت اشخاص حقوقی غیردولتی با رعایت مقررات این ماده و احراز عدم مغایرت این  
اقدام با اساسنامه یا وقفنامه شخص حقوقی بلامانع است.»



## منابع

## الف- منابع فارسی

۱. آخوندی، محمود (۱۳۷۴)، آیین دادرسی کیفری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۹۵)، حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات سمت.
۳. افتخاری، جواد (۱۳۸۶)، شرکت‌های تجاری، چاپ سوم، تهران، ققنوس.
۴. افتخاری، فرانک (۱۳۹۱)، مجموعه حقوق تجارت، چاپ اول، تهران، آراء سبز.
۵. بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۰۹)، الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره، الطبعة الاولى، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
۶. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل، ۲ جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۷. خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و هشتم، تهران، شهر دانش.
۸. خراسانی، آخوند محمد کاظم (۱۴۱۳)، کتاب فی الوقف، قم، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۰. داراب پور، مهراب (۱۳۹۱)، قواعد عمومی حقوق تجارت و معاملات بازرگانی، چاپ اول، تهران، جنگل.
۱۱. راستین، منصور (بی تا)، مقررات کیفری بازرگانی، چاپ دوم، تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
۱۲. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، مهذب الأحکام، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار.
۱۳. صفار، محمد جواد (۱۳۹۵)، شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی، دانا.
۱۴. صفایی، حسین و قاسم زاده، مرتضی (۱۳۹۴)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت.

۱۵. صقری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، چاپ اول، تهران، سهامی انتشار.
۱۶. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
۱۷. عابدی، احمد رضا (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری، تهران، چاپ دوم، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۸. عاملی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ اول، قم، نشر داوری.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، الشهيد الثاني، الطبعة الاولى، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۰. فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، نشر میزان.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، حقوق مدنی: عقود معین، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۲۲. گارو، رنه (۱۳۴۴)، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه ضیاء‌الدین نقابت، چاپ اول، تهران، ابن سینا.
۲۳. لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۴)، تفصیل الشریعة - الوقف، الوصیة، الأیمان و النذور، الکفارات، الصید، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۲۴. معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، چاپ سوم، تهران، نشر سرایش.
۲۵. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، چاپ دوم، نجف، مطبعة الآداب.
۲۶. مه‌آبادی، علی اصغر (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران، دوراندیشان.
۲۷. نجفی محمد حسن (۱۳۶۹)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، دارالکتب الإسلامیه و المكتبه الإسلامیه.
۲۸. نجفی کاشف‌الغطاء حسن بن جعفر (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة - کتاب الوقف، چاپ اول، نجف اشرف، مؤسسه کاشف‌الغطاء.
۲۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل؛ چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
۳۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

۳۱. ابهری علی‌آباد حمید، رضیان، عبدالله (۱۳۸۶)، مفهوم و ماهیت وقف و وضعیت مالکیت مال موقوفه در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، مقالات و بررسی‌ها، زمستان، دوره ۴۰، شماره ۸۶.

ب- منابع لاتین

1. The Gale Group, West's Encyclopedia of American Law, edition 2. 2008.
2. Houghton Mifflin Company, Dictionary of the English Language, Fourth edition. Published by Houghton Mifflin Company. 2009.

---

**Explaining the Sponsorship of Legal Entities in Criminal Procedure****Hamed Rostaminajafabadi****Mohammadreza Haghshenas****Abstract**

One of the orders can be granted by the judicial authority for access to the accused party and the possibility of compensating the injured party is the order to "obtain a guarantor by determining the amount of bail". A legal person can participate in all legal activities and consequently have civil and criminal liability. According to Article 221 of the Criminal Procedure code, a legal person can also stand bailing. However, the the letter of the sentence in the mentioned note causes legal ambiguity and may conflict with some basic laws. The present study examines the conditions and limitations of legal person's standing bail by descriptive- analytical method and data collection by library method. The result of the research is that in the case of standing bail by a legal entity, a distinction should be made. The standing bail of a state legal person is generally against legal rules and unjustifiable. Bail is acceptable by a non- governmental legal entity with two conditions: the bail of the accused party in the interests of the legal entity and with the decision of the competent authority at the level of management of the legal entity. standing bail by the endowment, depending on its legal personality, is subject to compliance with the terms of the endowment letter or the agreement of the endowed against the special endowment.

**Keywords:** Criminal procedure law, Injunction of bail, Bail, Legal Entity.